

واکاوی تطبیقی عناصر کالبدی پل‌های گردشگری در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان (موردپژوهی: پل مدرن طبیعت و پل خواجوی اصفهان)

چکیده

باتوجه به تغییر و تحولات زندگی امروزی و همچنین جایگاه ویژه پل‌های گردشگری در فرهنگ ایرانی، این پژوهش به دنبال کشف نقش عناصر کالبدی در ایجاد و ارتقای حس دل‌بستگی در گردشگران است. برای این منظور، عناصری مشترک در دو گونه پل سنتی و معاصر (خواجو و پل طبیعت) ویژه عابران پیاده که مخاطبان زیادی را به خود اختصاص داده مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. بر این اساس، هدف این پژوهش، شناخت، تبیین و معرفی ارزش‌های کالبدی معماری پل‌های گردشگری در جهت افزایش حس دل‌بستگی به مکان و به کارگیری این مؤلفه‌ها در طراحی‌های آتی این گونه پل‌ها است، متغیر مستقل پژوهش را عناصر کالبدی پل‌ها از جمله (رواق - صحن - و عناصر تشکیل‌دهنده ریتم و...) است و متغیر وابسته میزان حس دل‌بستگی ایجاد شده در گردشگران حاضر در محل این دو پل را تشکیل می‌دهد. روش تحقیق این مقاله کمی و در زمره پژوهش‌های مقطعی و از نوع کاربردی بوده و در شمار پژوهش‌های توصیفی - همبستگی قرار دارد. برای تحلیل داده‌ها، دو نوع پرسش‌نامه با مقیاس لیکرت طراحی شده که اعتبار و پایایی این پرسش‌نامه‌ها با ضریب آلفای کرونباخ تأیید گردید. جامعه آماری پژوهش، شامل گردشگران حاضر در محل پل‌های مذکور است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۴ تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش حاکی از توجه کاربران به عناصر کالبدی به ترتیب: ریتم، رواق، صحن بوده که فرضیه تحقیق را نیز تأیید می‌کند.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی عناصر کالبدی پل طبیعت در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان
۲. واکاوی عناصر کالبدی پل خواجوی اصفهان در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان.

سؤالات پژوهش:

۱. عناصر کالبدی پل طبیعت در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان کدام‌اند؟
 ۲. عناصر کالبدی پل خواجوی اصفهان در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان کدام‌اند؟
- کلیدواژه‌ها:** حس دل‌بستگی به مکان، مؤلفه‌های کالبدی، پل گردشگری خواجو، پل گردشگری طبیعت.

مقدمه

امروزه حس دل‌بستگی به مکان از شاخصه‌های مهم معماری پل‌های گردشگری در کشور هستند. باتوجه‌به تحولات امروزی، در حوضه روان‌شناسی محیطی^۱ و گردشگری^۲ طراحی معماری پل‌ها شامل عملکرد، کالبد، عناصر و نشانه‌های، از توجه خاصی برخوردار هستند. باتوجه‌به جایگاه ویژه پل‌های گردشگری در فرهنگ ایرانی، این پژوهش به دنبال کشف نقش عناصر کالبدی در ساختار پل بوده که عامل ایجاد و ارتقاء حس دل‌بستگی در پل‌های گردشگری به همراه دارد. برای این منظور، این عناصر در دو گونه پل معاصر و پل سنتی ویژه عابر پیاده مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. دستاورد این پژوهش می‌تواند در ارائه راه‌کار جدید طراحی و یا جایگزینی المان‌های مؤثر در معماری پل‌های سنتی با نشانه‌های جدید و تقویت و ارتقاء حس دل‌بستگی به مکان در پل‌های گردشگری مورد استفاده قرار گیرد. این عناصر مشترک شامل ورودی، پله، عرشه، نورپردازی، فضای سرپوشیده، مصالح، مبلمان، صحن، رواق، ریتم و... می‌باشند که با نظر پنج نفر از متخصصین صحن - رواق - ریتم به‌عنوان عناصر مشترک جهت تطبیق انتخاب شدند. در طراحی هر دو گونه پل دیده و در این پژوهش به آن پرداخته شده است و عوامل ایجاد حس دل‌بستگی شامل عوامل (رفتاری، عاطفی، شناختی و عملکردی) نیز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. باتوجه‌به نظر رویکرد طراح پل طبیعت که اذعان دارد از پل خواجه الهام گرفته است (ندایی: ۱۳۹۶)، این پژوهش با مقایسه تطبیقی (مؤلفه‌های کالبدی) که در پل خواجه اصفهان و پل مدرن طبیعت تهران مورد استفاده قرار گرفته‌اند، انجام شده است. به دنبال یافتن مهم‌ترین عامل در ایجاد حس دل‌بستگی، هر دو المان شهری است.

گروهی از محققین، بر نقش عوامل کالبدی بر شکل‌گیری حس دل‌بستگی به مکان تأکید کرده‌اند. آن‌ها عناصر و اجزای کالبدی مکان را به‌عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی معرفی نموده و از نقش مهم طرح کالبدی محیط بر شکل‌گیری احساس اولیه افراد و همچنین شکل‌گیری احساس مثبت آن‌ها در جریان برخورد طولانی‌مدت با مکان یاد می‌کنند (حیدری و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۵). پل‌های گردشگری محل تجمع و گذراندن اوقات فراغت گردشگران هستند. جهت سازماندهی و بهره‌برداری بهتر از این مکان‌ها لازم است عناصر و عوامل اثرگذار شناسایی و برای جذب گردشگر مورد مطالعه قرار گیرند. لذا حضور افراد بر روی پل جهت بهره‌گیری از دید و منظر و ایجاد کاربری‌های الحاقی به آن، برحسب مقتضیات فضا و زمان، پل را به عنصری چندوجهی در ساختار شهر بدل می‌کند (hermandez, ۲۰۰۱, ۲۷۷). در تاریخ پل‌سازی سرزمین ایران، عصر صفوی را باید دوران اوج طراحی و ساخت پل، به‌ویژه پل‌های درون‌شهری دانست (فرشید نیک و افهمی، ۲۰۱۰: ۵۸). متغیر مستقل پژوهش حاضر را عناصر کالبدی ذکر شده در پل‌های خواجه و طبیعت تشکیل می‌دهد و متغیر وابسته میزان حس دل‌بستگی ایجاد شده در گردشگران است. در این راستا، متغیرهای اثرگذار همچون سن و جنس و سواد نیز مورد سنجش قرار می‌گیرد. هدف اصلی این پژوهش، شناخت، تبیین و معرفی ارزش‌های کالبدی معماری پل‌های گردشگری در جهت هویت‌بخشی به مکان و به‌کارگیری این مؤلفه‌ها در طراحی‌های آتی این گونه پل‌ها است.

ترکاشوند (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به ضروریات توجه به فضای شهری پیرامون پل‌های تاریخی علاوه بر اهمیت فرهنگی، تاریخی این پل‌ها، نقش آن‌ها در ایجاد و تقویت هویت شهری و تعلق مکانی ساکنین پرداخته است. پژوهش حاضر در نظر دارد به نقش پل‌های تاریخی و محدوده اطراف آن‌ها به‌عنوان فضاهای شهری مؤثر بر تقویت هویت و خاطره جمعی بپردازد. صارمی و معروفی (۱۳۹۶)، مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی حس دل‌بستگی مکان در نمادهای شهری دوره اصفهانی و مدرن؛ نمونه موردی میدان آزادی و میدان نقش جهان» به‌منظور مقایسه حس دل‌بستگی به مکان

مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج پژوهش بیانگر تفاوت عوامل مؤثر در دل‌بستگی در دو دوره تاریخ در این میادین شهری است؛ به طوری که در میدان نقش جهان مهم‌ترین عامل در ایجاد این حس معیار عزت‌نفس بوده و در میدان آزادی تداوم بیشترین تأثیر را در ایجاد دل‌بستگی به مکان داشته است. رضایی و همکاران (۱۳۹۷)، در به بررسی عوام مؤثر بر فرایند شکل‌گیر معنای محیط و تحقق مراتب مختلف حس مکان پرداخته‌اند. در این تحقیق، متغیر ادراک محیطی از ابعاد مختلف مورد تمرکز قرار گرفته و در نهایت به علت محوریت آن در تعریف انتظارات انسان از محیط و تعیین رفتار واکنشی وی، به‌عنوان کانون فرایند در الگوی پیشنهادی معرفی شده است. بر این اساس، الگوی ساختاری مستقیم بر سه رکن اصلی: اجزا، نظام ساختاری و معنا ارائه شد که به ترتیب با عوام و عناصر کالبدی، رفتار محیطی و احساس محیطی معادل‌سازی شده است. شاه‌رودی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «سنجش تطبیقی مؤلفه‌های حس مکان در عناصر کالبدی مساجد سنتی و معاصر شیراز مورد پژوهی مسجد حاج علی، مسجد مشیرالملک، مسجدالرضا و مسجد دانشگاه» به بررسی تطبیقی حس مردم به مساجد مدرن و سنتی پرداخته‌اند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که نشانه‌های کالبدی در ساختار مسجد سنتی و معاصر سطوح مختلف حس مکان را تأمین می‌کند و تفاوت، تنها در اولویت‌بندی آن‌هاست. امجد و همکاران (۱۴۰۰)، با هدف بررسی تأثیر حس تعلق به مکان ساکنان بر نمای بناهای مسکونی محلات مجاور مادی‌های اصفهان پرداخته و دریافته‌اند که نحوه و چگونگی تأثیر حس تعلق بر مؤلفه‌های نمای محلات مسکونی، در مجاورت طبیعت مادی‌ها از دیدگاه ساکنان پرداخته و تأثیر حس تعلق مکان بر ویژگی‌های نمای محلات مسکونی مجاور مادی‌های اصفهان از دید ساکنان را بررسی کرده‌اند و دریافته‌اند مشارکت ساکنان تحت تأثیر حس تعلق آن‌ها، ارتقای شاخص‌های کالبدی نمای بناهای مسکونی را به همراه خواهد داشت. اسکندر و گیفورد (۲۰۱۷) در مقاله دیگری با عنوان «مزایای روان‌شناختی تجربه حس دل‌بستگی به مکان» که در سال ۲۰۱۷ در مجله روان‌شناسی محیطی منتشر نمودند با تأکید بر نوع وابستگی شناختی، عاطفی این حس و استفاده از روش تحلیل محتوای کمی به ارائه ۱۳ دسته از این مزایا شامل ایجاد خاطره، تعلق، آرامش و تمدد اعصاب، عواطف مثبت، حمایت از فعالیت امنیت، خودشکوفایی، آزادی، سرگرمی، ارتباط با طبیعت، عمل‌گرایی، خلوت و زیبایی‌شناختی پرداخته است.

این تحقیق از نوع کمی و از لحاظ هدف کاربردی است و از شیوه‌های کیفی نیز بهره برده است. داده‌ها و اطلاعات موردنیاز تحقیق را در ابتدا به صورت کتابخانه‌ای و با استناد به کتب، مقالات مرتبط با حس دل‌بستگی به مکان و مؤلفه‌های کالبدی شناسایی شده و همچنین پرسش لازم از گردشگران نسبت به دل‌بستگی به مکان گردآوری شده و ابزار مورد استفاده در این مرحله پرسش‌نامه بوده است. بدین ترتیب، عوامل مؤثر و ابزارهای سنجش دل‌بستگی به مکان در پرسش‌نامه تعریف شده‌اند. سپس عوامل کالبدی در ساختار پل‌ها که در ارتقای دل‌بستگی به مکان مؤثر بودند، معرفی شد. در گام بعدی به منظور سنجش تطبیقی، نمونه‌های موردی (پل مدرن طبیعت و پل خواجوی اصفهان) به‌عنوان پل‌های مطرح انتخاب و اطلاعات مربوط به آن‌ها با ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. سپس با روش توصیفی، همبستگی تحلیل شده و به نقد و ارزیابی نتایج حاصل پرداخته. پرسش‌نامه‌ها به کمک نرم‌افزار SPSSV ۲۴ و تحلیل واریانس، T مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل عاملی تأییدی، آزمون همبستگی و رگرسیون آزمون‌های مورد استفاده در این پژوهش بوده‌اند. ضریب خطای پیش‌بینی شده در محاسبه نتایج پل طبیعت ۰/۳۳۸/۰ خواجو ۰/۳۳۷ درصد بوده است.

نتیجه‌گیری

میان حس دل‌بستگی به مکان و عناصر کالبدی پل گردشگری خواجه و پل طبیعت ارتباط قوی معناداری وجود دارد. حس دل‌بستگی به مکان، منعکس‌کننده نوع ارتباط فرد با مکان است که دارای شخصیتی ویژه و ساختاری مشخص می‌باشد. این احساس در نتیجه تعامل فرد با محیط به وجود می‌آید و تقویت‌کننده آن است. این ارتباط موجب درک سطوح بالاتری از حس دل‌بستگی به مکان و به عبارت دیگر، رابطه قوی‌تر میان فرد و مکان می‌شود، که به حفظ حیات پل‌ها که ناشی از حضور و فعالیت افراد است می‌انجامد. تجزیه و تحلیل یافته‌ها تحقیق برای بررسی صحت و سقم فرضیات از اهمیت خاصی برخوردار است. در این پژوهش سعی شده با تکیه بر اطلاعات جمع‌آوری شده، از موضوع مورد پژوهش و داده‌های خام با استفاده از فنون آماری تجزیه و تحلیل پس از پردازش آن‌ها به شکل اطلاعات در اختیار استفاده‌کنندگان قرار گیرد. به طور کلی، عناصر کالبدی در هر دو نمونه پل خواجه و پل طبیعت در ایجاد و ارتقاء حس دل‌بستگی در گردشگران مؤثر هستند. لذا در پاسخ به سؤال اول و دوم تحقیق در نتیجه حاصله از معادله رگرسیونی در هر دو پل به ترتیب ریتم، رواق و صحن توانایی پیش‌بینی ایجاد حس دل‌بستگی به مکان را دارند و متغیر تحصیلات نیز توانسته بیشترین تأثیر را در حس دل‌بستگی به مکان ایجاد کند. اما اولویت‌بندی این تأثیر متناسب با نگرش و سلیقه گردشگران بوده که در گذر زمان می‌تواند دستخوش تغییراتی شود و در پاسخ به پرسش سوم می‌توان گفت در پل طبیعت عناصر تشکیل‌دهنده ریتم، رواق، صحن به ترتیب بیشترین تأثیر را روی عوامل عاطفی، عملکردی، شناختی و رفتاری گذاشته و در پل خواجه مؤلفه‌ها کالبدی به ترتیب بیشترین تأثیر را روی عوامل عاطفی، عملکردی، رفتاری، و شناختی گذاشته است. لذا از مهم‌ترین یافته‌های تحقیق، می‌توان به این نتیجه رسید که مؤلفه‌های کالبدی در پل‌های گردشگری (سنتی و مدرن) تمامی سطوح دل‌بستگی را در گردشگران تأمین می‌کنند و تفاوت در پل‌ها تنها در اولویت‌بندی آن‌هاست. از طرف دیگر، نبودن این عناصر احساس دل‌بستگی را در گردشگران تأمین نخواهد کرد. بررسی مراحل تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که همه مؤلفه‌های کالبدی در ساختار پل‌های گردشگری دارای تأثیر مستقیم بر حس دل‌بستگی به مکان می‌باشند.

مؤلفه‌های کالبدی در طراحی معماری پل‌های گردشگری که در این پژوهش به عنوان عامل ایجاد و ارتقاء حس دل‌بستگی به مکان معرفی شدند، از شناسه‌های مهم معماری ایرانی و پل‌های مورد پژوهش بوده‌اند، زیرا بروز احساس دل‌بستگی که از اهداف عالی معماری هستند با کمک این عناصر محقق خواهد شد. در این تحقیق پس از تعیین عوامل دل‌بستگی به مکان در فضاهای پل‌های موردنظر ابتدا شاخص‌های تأثیرگذار در فضای پل بیان گردید. سپس این متغیرها مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج نشان از تأثیر مستقیم دل‌بستگی و تأمین سطوح اولیه نیاز فردی را داشته و در واقع به ارضای حسی گردشگران می‌پردازد. نشانه‌های نمادین پل خواجه در ایجاد ارتباط ذهنی و ساخت تصویر ذهنی باعث هویت‌بخشی به پل شده که به‌عینه همان احساس و رفتار را در گردشگران پل مدرن طبیعت نشان می‌دهد. همچنین می‌توان نتیجه گرفت طراح پل طبیعت هوشمندانه الگوی مناسبی برای معماری انتخاب کرده که بتواند در بُعد احساسی به درستی عمل کند. از سوی دیگر، نتیجه این بررسی نقش فعالی در شناسایی مؤلفه‌ها ایفا کرده که باعث میل به حضور و ماندن در مکان می‌شود و نیازهای ناشی از فعالیت‌های گروهی هر جامعه‌ای را پاسخ می‌دهد و این باعث درک اهداف مکان و تمایل به حفظ و نگهداری و حیات پل می‌گردد.

یافته‌های تحقیق با یافته‌های (گیفورد و اسکال) منطبق بوده که ادعان دارند دل‌بستگی به مکان با چهار بُعد قابل‌شناسایی هستند که بُعدهای عاطفی و شناختی فرد نسبت به مکان که با آن در ارتباط هستند عامل ارتقاء

دل‌بستگی به مکان خواهند بود. باتوجه‌به تأثیر مؤلفه‌های مورد پژوهش عناصر تشکیل‌دهندهٔ ریتم، رواق، صحن پیشنهاد می‌شود هرگونه بازسازی نوسازی و مرمت که در کالبد پل صورت می‌گیرد. باتوجه‌به شاخصه مذکور که به ترتیب بیشترین تأثیر را بر گردشگر دارد، انجام شود، از محدودیت این پژوهش صرفاً توجه به عناصر کالبدی فضایی بوده و دیگر مؤلفه‌ها نیز موجب ارتقاء حس دل‌بستگی می‌شوند که در این مقاله بررسی نشده است که پیشنهاد می‌شود سایر پژوهشگران در این حوزه تحقیقات مشابهی با رویکردهای از جمله روان‌شناسی محیطی و یا پدیدارشناسی انجام دهند. این‌گونه پژوهش‌ها باعث درک ارزش پل‌های تاریخی و گردشگری شده و سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطه با آگاهی از سابقه تاریخی و هویتی پل‌های گردشگری در حفظ و احیای این بناها و محیط‌های مربوط به آن‌ها برای حضور گردشگران اقدام خواهند کرد.

فهرست منابع و مآخذ:

- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا. (۱۳۶۸). نصف جهان فی تعریف الاصفهان. تهران: انتشارات سپهر.
- امجد، مرجان؛ مظفر، فرهنگ؛ طغیانی، شیرین و قاسمی، وحید. (۱۴۰۰). «تأثیر حس تعلق به مکان ساکنان بر نمای بناهای مسکونی محلات مجاور مادی‌های اصفهان». معماری و شهرسازی ایران، (۲)، ۱۲، ۱۱۹-۱۳۶.
- پی بلیک، استیون. (۱۳۸۸). «نصف جهان، معماری اجتماعی اصفهان صفوی». ترجمه: محمد احمدی‌نژاد. اصفهان: خاک پیرامون پل‌های تاریخی». انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱۳.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۷۹). شهری در ایران، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی راه و رباط، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ترکاشوند، عباس؛ حیدری، جهان‌بخش و کریمی‌نژاد، مریم. (۱۳۹۶). «بازشناسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت و خاطره جمعی در فضاهای شهری پیرامون پل‌های تاریخی». معماری و شهرسازی ایران، (۱)، ۸، ۱۴-۵.
- رضایی، حسین؛ کرامتی، غزال؛ دهباشی، مزین و سلامی، نصیر. (۱۳۷۹). «تبیین الگوواره‌ای فرایند روان‌شناختی حصول معنای محیطی و تحقق حس مکان با تمرکز بر نقش واسط ادراک». باغ نظر، ۱۵(۶۵)، ۶۶-۴۹.
- رویین، پاک‌باز. (۱۴۰۰). دایره‌المعارف هنر تک جلدی فرهنگ معاصر. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- حیدری، علی‌اکبر؛ مطلبی، قاسم و نگین نتاجی، فروغ. (۱۳۹۳). «تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی». نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۳، ۸۶-۷۵.
- خدادادی سنگتراشانی، سید عابدین؛ میریان، سید احمد؛ محمد قاسمی، حمید. (۱۳۹۹). «مؤلفه‌های سلامت روانی در حیطه عاطفی با تأکید بر سیره معصومین (ع)». قرآن و طب دوره ۵، شماره ۲.
- خان محمدی، محمدعلی. (۱۳۹۸). مبانی طراحی معماری. تهران: کتاب‌های درسی ایران.
- خرازی، کمال. (۱۳۸۵). «تأثیر علوم‌شناختی بر روان‌شناسی معاصر». مجله تازه‌های علوم‌شناختی، شماره ۴، ۷۷-۸۱.

- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۰). فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. چاپ سوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شاهرودی، مرضیه؛ تقی‌پور، ملیحه؛ گریست، فائزه. (۱۳۹۹). «سنجش تطبیقی مؤلفه‌های حس مکان در عناصر کالبدی مساجد سنتی و معاصر». دو فصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، شماره هشتم، ۵۲-۴۰.
- صارمی، حمیدرضا؛ معروفی، حسام. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی حس دل‌بستگی مکان در نمادهای شهری دوره اصفهانی و مدرن؛ نمونه موردی میدان آزادی و میدان نقش جهان». ماهنامه علمی - تخصصی شباک، شماره ۹، ۱۲-۱.
- فرشید، نیک؛ افهمی، آر. (۲۰۲۰). «پل سکونت: سیر تداوم عملکرد گذر و سکونت بر پل‌ها». هنرها یک زیبا، ج ۴۱، ۵۵-۶۶.
- فلاح، محمدصادق. (۱۳۸۵). «مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ۶۶-۵۷.
- ندائی، سمیه؛ کاملی، محسن. (۱۳۹۶). «بررسی پل طبیعت تهران و تأثیر آن در منظر شهری». فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، شماره ۳۱، ۱۱-۱.
- هیلگارد. (۱۳۸۱). زمینه روان‌شناسی. جلد اول، اتکینسون، ترجمه: براهنی و همکاران، تهران، نشر رشد تهران.
- Hidalgo, M. C. & Hernandez, B. (۲۰۰۱). Place attachment: Conceptual and empirical questions, *Journal of Environmental Psychology*, ۲۱, pp. ۲۷۳-۲۸۱
- Kotler, P. (۲۰۰۳). *Marketing management* (۱۱th ed.). New York: Prentice Hall (۱۵۱-۱۴۳: ۲۳), *Studies Persian of Institute British. Art Water and Dam, Bridge of combination A* (۱۹۸۵)H, Lushey
- Kyle, G., Graefe, A., Manning, R. and Bacon, J. (۲۰۰۴). 'Effects of place attachment on users' perceptions of social and environmental conditions in a natural setting', *Journal of Environmental Psychology*, ۲۴, pp. ۲۱۳-۲۲۵
- Scannell, L., & Gifford, R. (۲۰۱۰). Defining place attachment: a tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*
- Scannell, L.; Gifford, R. ۲۰۱۰, Defining , ۳۰, ۱-۱۰